۷ راز یادگیرندگان حرفه‌ای مهارت زبان انگلیسی

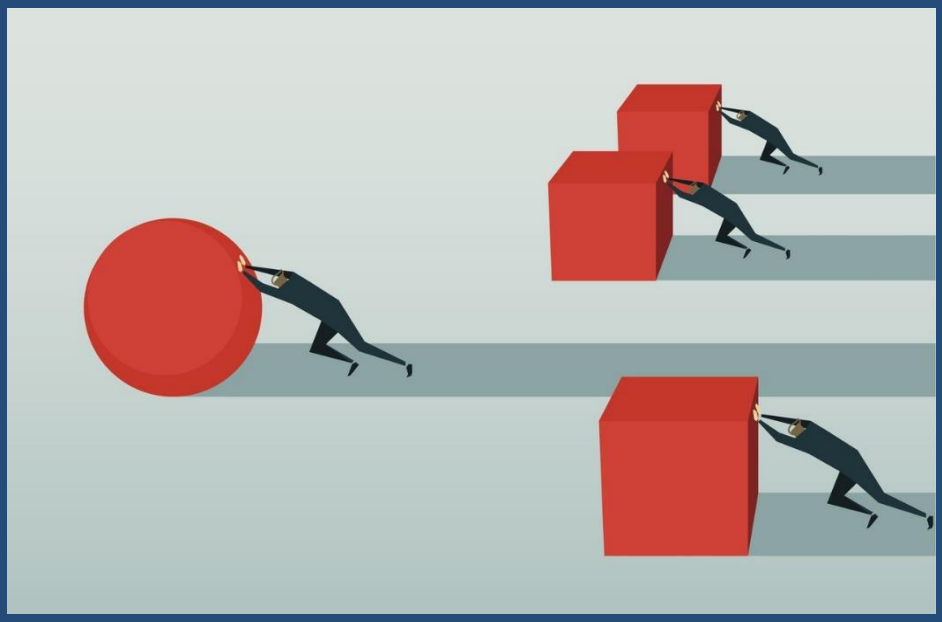

نگرش‌های یاد گرفتنِ زبان انگلیسی به عنوان مهارت در قرن ۲۱

که مؤسسات و دانشگاه‌ها به شما نمی‌گویند

ویژه دانشجویان و داوطلبین دکتری و ارشد
و علاقه‌مندان به یادگیری اصولی مهارت زبان انگلیسی

تدریسِ مؤثر

www.takbook.com

شناسنامه کتاب

نام کتاب: هفت راز یادگیرندگان حرفه‌ای مهارت زبان انگلیسی
نویسنده: مهرداد مختاری
تاریخ نشر: تیر ۹۹
ناشر:گروه آموزشی تدریسِ مؤثر
قیمت: رایگان برای همیشه
تعداد صفحات: ۳۰
تماس با ناشر: mail@tadrisemoaser.com

شما اجازه ندارید این کتابچه را بفروشید

شما اجازه ندارید محتویات این کتابچه را تغییر دهید

اما

شما می‌توانید آن را به دوستانتان هدیه دهید و برای دانلود در سایت خودتان قرار دهید.

فهرست مطالب

سه نصیحت استاد ۵
این مطالب به درد چه کسانی نمی‌خورد؟..... ۹
چگونه خودمان را برای یاد نگرفتن آماده می‌کنیم؟ ۱۰
۱. یادگیرندگان حرفه‌ای و دید عقابی ۱۳
۲. یادگیرندگان حرفه‌ای و درک شفاهی..... ۱۶
۳. یادگیرندگان حرفه‌ای و مهارت فراشناختی. ۱۷
۴. یادگیرندگان حرفه‌ای و عددِ یک..... ۲۰
۵.یادگیرندگان حرفه‌ای و سَندرُم ترین! ۲۱
۶. یادگیرندگان حرفه‌ای و نگرش..... ۲۴
۷. یادگیرندگان حرفه‌ای و طراحی استراتژیک..... ۲۷

تدریسِ مؤثر
www.Tadrisemoaser.com
www.takbook.com

وقت مقدمه نیست

بله! کتاب مقدمه ندارد! اینجا قرار است ذِهنمان را تیز کنیم!

روزی جوانی جهت کار پیش پیرمردی رفت که چوب‌بری داشت. جوان نیرومند به پیرمرد گفت: من به کار نیاز دارم، پیرمرد گفت شما می‌توانید با این تبر درختان را قطع کنی و بابت هر درخت یک سکه از من دریافت نمایی. جوان خوشحال شد و شروع کرد. او با تلاش و پشتکار و قدرت جسمی فراوانی که داشت توانست در روز اول ۲۰ درخت را قطع کند. پایان روز دوم بااینکه تلاشش را بیشتر کرده بود نتوانست بیشتر از ۱۰ درخت قطع نماید. اما روز بعد با همه تلاش بدنی فراوانی که انجام داد نتوانست بیشتر از ۵ درخت را قطع کند و فقط ۵ سکه نصیبش گردید. از کارش ناامید شد و نزد پیرمرد رفت و گفت: دیگر قصد ندارد در **چوب‌بری** کار کند. پیرمرد باتجربه از جوان پرسید: چرا می‌خواهی بروی؟ جوان پاسخ داد: هر چه تلاش می‌کنم کمتر نتیجه می‌گیرم. پیرمرد گفت: آخرین باری که تبرت را تیز کرده‌ای کی بوده؟ جوان گفت: **اونقدر مشغول بودم که اصلاً وقت نداشتم که بخواهم تبرم را تیز کنم...** بسیاری از ما برای یادگیری اثربخش و مؤثر، وقت نداریم تبرمان را تیز کنیم! چیزهایی که تا الآن یاد گرفته‌ایم ما را به‌جایی که الآن هستیم رسانده است. به نظر می‌رسد در قرن بیست ویکم، اگر می‌خواهیم که رشد کنیم باید تبرمان تیز شود و چیزهای جدید اما پنهان را یاد بگیریم و همیشه یک قدم جلوتر از دیروزمان باشیم.

با هفت راز ساده و در عین حال کاربردی تبرمان را تیز خواهیم کرد.

سه نصیحت استاد

سال ۱۳۸۰ همزمان با قبولی در دانشگاه شهید بهشتی مطالعه زبان انگلیسی را شروع کردم. با توجه به این که دانشجوی سال اول بودم و کم‌تجربه همیشه دنبال راه خوبی می‌گشتم تا بتوانم واقعا یاد بگیرم، اولین کاری که کردم از کتابخانه دانشکده یک کتاب تخصصی گرفتم و شروع به خواندن کردم. اجازه بدهید اعتراف بکنم از اینکه کتاب به زبان اصلی در دست داشتم واقعا حس خوبی داشتم اما فقط یک کار بلد بودم اون هم لغات جدید رو در می‌آوردم و زیر آنها خط می‌کشیدم و مدت‌ها کارم همین بود اما پیشرفتی نداشتم، با این وجود بعضی روزها پیدا کردن معانی لغات تا ۴ ساعت هم طول می‌کشید.

یک روز در راهرو دانشکده در حالیکه کتاب تخصصی انگلیسی دستم بود یکی از اساتیدم هنگام عبور از آنجا یه لحظه کنارم ایستاد و گفت همیشه این کتاب دستت هست آیا کلاس زبان میری؟ گفتم نه اما علاقه‌مندم ایشان گفتن اگر مایل باشی میتونید بیایید اتاق من تا کمی در مورد یادگیری اصولی بهت توضیح بدم و منم خوشحال شدم و پذیرفتم.

ایشان نصیحتی به من کردند که تا همین لحظه سرلوحه تمام مسیرهای یادگیری ام بوده است. گفتن فرض کنیم بهترین مصالح ساختمانی و باکیفیت را تهیه می‌کنیم، هزینه می‌کنیم، زمان می‌گذاریم اما هنگام ساخت اسکلتی وجود ندارد که این مصالح رو روی آن بنا کنید، چگونه می‌خواهید ساختمان بسازید؟ سپس گفتند **هر چیز با ارزشی که در این دنیا ساخته شده، دو تا ویژگی داره یکی اینکه از قبل طراحی شده و دوم اینکه یک پشت پرده داره اگر روی این دو تا کار کنی همیشه یک قدم جلو خواهی بود**، متوجه

منظور ایشان نشدم و بعد پرسیدم استاد **پشت‌پرده** یعنی چی و ایشان گفتند یعنی کارهایی رو انجام بده و چیزهایی رو ببین که **همه انجام نمی‌دهند** و **توضیح داد منظورم از پشت‌پرده اینست که اگر می‌خواهی واقعا مهارت هر چیزی رو خوب یاد بگیری سه تا کار بکن اول اینکه زیرساخت و مبانی آن را یاد بگیر دوم اینکه همیشه از سرچشمه آب بخور یعنی درست‌ترین منابع را در جهت یادگیری خودت استفاده کن و سوم فراموش نکن که یادگیری باید مثل شکر در چای صبحانه وجودت حل شود!**

با این دید به صورت خودآموز (self-study) یادگیری زبان انگلیسی را تا همین لحظه که در حال نوشتن این کتابچه الکترونیکی هستم، با نگرش عمیق‌تری ادامه دادم.

در آن زمان با هیچ کتاب آموزشی سطح‌بندی شده یادگیری زبان انگلیسی ارتباط مثبتی نمی‌گرفتم، احساس می‌کردم در کل باعث تغییر من نخواهد شد. البته به این معنی نیست که کتاب‌های آموزشی خوب نیستند.

در حال حاضر نزدیک به ۱۹ سال از آن روز میگذرد. هیچوقت مطالعه روزانه زبان انگلیسی را کنار نگذاشتم و در واقع زبان انگلیسی رو برای خودم سفری لذت بخش کردم و در طول زمان سعی کردم **تبر خودم را تیز کنم** و شاید به همین دلیل باشد که اصلا نمیدانم چطور در زندگیم جاری هست.

در سفر یادگیری‌ام اتفاقات بسیاری افتاد تا اینکه در آموزشگاهی نزدیک به ۴ سال مشغول تدریس شدم. همیشه در ورکشاپ‌هایم جهت تدریس به اساتید، می‌گفتم ما به عنوان کسانی که کمک می‌کنیم آموزش‌گیرنده بهتر یاد بگیرد فکر می‌کنم فقط دو وظیفه داریم، یکی خارج از چهارچوبِ کتاب در جهتِ هدفِ یادگیرندگان، کلاسمان را طراحی کنیم دیگری انگیزه و نتیجه‌محور بودن الویت

باشد. بعدها متوجه شدم که زیاد استقبال نکردند و کار خودشان را ادامه می‌دهند و به‌همین دلیل آن را رها کردم

ولی امروز با تجربه این سالهای خودم به این نتیجه رسیدم که حفظ انگیزه و هدفِ یادگیرندگان و نتیجه گرفتن، جز ارکان اصلی یادگیری هستند.

این روند ادامه داشت تا در دانشگاه مقالات علمی اساتید را ویرایش می‌کردم همزمان با آماده کردن پروپوزال جهت دفاع رساله‌ام، به دانشجویان دکتری و ارشد کمک می‌کردم بهتر یاد بگیرند و همیشه به شرکت کنندگان دوره‌ها و کلاس‌هایم نصیحت استادم را می‌گویم که بچه‌ها فقط قبل از اینکه شروع کنید حتما پشت پرده یادگیری رو یاد بگیرید و اینکه اجازه ندهید چیزهایی را که دوست ندارید بهتون درس بدهند.

تا اینکه بیشتر دوستان و هم اتاقی‌هایم فکر می‌کردند من دانشجوی دکتری زبان انگلیسی هستم در صورتی که اینگونه نبود؛ شاید از آنها لغات و گرامر کمتری می‌دانستم اما چیزی که باعث شده بود اینگونه به نظر برسم کسب مهارت در طول این سالها بود.

استیو جابز الهام‌بخش ترین فرد زندگی ام بود و همیشه به این فکر می‌کردم که چرا ما نمی‌توانیم اپلیکیشن‌های آیفون را از گوگل دانلود کنیم، بعدها متوجه شدم به خاطر امنیت و سفارشی‌سازی کردن محصولات برای افراد اینکار را انجام می‌دهد. چون باور دارم مغز ما به‌گونه‌ای طراحی شده که ما باید از مسیر یادگیری لذت ببریم و هر جا که لذتی نیست باید یه تجدید نظر کنم به همین دلیل همیشه دوست داشتم یادگیری مهارت زبان انگلیسی را برای خودم **شخصی سازی** کنم و برخلاف اغلب آموزش‌ها که دیگری بدون شناخت کافی

از من یکسری مطالب را به صورت یکطرفه فقط بهم آموزش بده، خودم برای مسیر یادگیریم را طراحی کنم و آگاهانه از مطالب آموزشی استفاده کنم.

امروز که نزدیک به نوزده سال از تجربه یادگیری زبان انگلیسی‌ام می‌گذرد و در این مسیر با انواع آموزش‌های زبان آشنا_شده‌ام و بابت اینکه دوست داشتم با توجه به شناخت خودم و نیازهایم مسیر یادگیرم را طراحی کنم به خودم کاملاً حق میدهم! به خصوص وقتی به این سوال فکر می‌کنم که آیا کسی که نمره خوبی در یک آزمون گرفته است الزاماً مدرس آن حیطه به حساب می‌آید یا خیر؟

همانطور که از عنوان این کتاب مشخص است رازهای یاد گیرندگان در مورد کسب **مهارت** زبان انگلیسی را بیان می کند و الزاماً به آزمون‌های بین‌المللی ارتباطی ندارد. در کلاسهایم بسیاری از دانشجویان باوجود داشتن نمرات بالا در آزمون های متداول نمی توانستند از طریق ایمیل با استادی خارج از کشور ارتباط مؤثر بگیرند یا هنگامی که می‌خواستند خودشان را پرزنت کنند فقط عبارات کلیشه‌ای از قبیل my name is... و I am from استفاده می‌کردند که به‌نظر می‌رسد سطح یک یادگیری کتابی است و شخصی که مهارت کسب کرده باشد به گونه‌ای شایسته‌تر و حرفه‌ای‌تر خودش را پرزنت می‌کند.

برای کسب مهارت، قبل از شروع حتما پشت پرده‌ی یادگیری رو یاد بگیرید و اجازه ندهید چیزهایی را که دوست ندارید و حس خوبی بهتون نمیدهد را به شما آموزش بدهند.

این مطالب به درد چه کسانی نمی‌خورد؟

باید اذعان کنم که این مطالب مخاطبین خاص خود را دارد. افرادی که دنبال یادگیری یک شبه و باورهای غیرسازنده هستند، افرادی که باور دارند پشت پرده یادگیری مهارت، هر چیزی به جز تلاش هوشمندانه و متمرکز است، کسانی که در قید و بند خاصی برای استفاده بهینه از زمان و انرژی خودشان نیستند، افرادی که همیشه از سه کلمه‌ی **این را می‌دانم**! استفاده می‌کنند، افرادی که نیازی به نقشه‌ی راه و شفاف دیدن مسیر ندارند **و کسانی که وقت ندارند تبر خود را تیز کنند** به مطالب این کتابچه نیازی پیدا نخواهند کرد. البته خواندن و دانستن موارد ارائه شده خالی از لطف نیست **اما اهمیتش را کسانی درک خواهند کرد که زبان را فراتر از گذراندن یک آزمون بلکه بصورت یک مهارت می‌بینند که در تمامی مراحل زندگی از آن به عنوان ابزار استفاده خواهند کرد، کسانی که یادگیری زبان را یک پنجره رو به شکوفایی می‌بینند و همچنین کسانی که تلاش‌های زیادی کرده‌اند و نتیجه دلخواه نگرفته‌اند.**

در دنیای امروز اغلب چگونه زبان انگلیسی را یاد می‌گیریم؟

فرض کنید تمام مقالات دنیا و مطالب در مورد پرواز با فضاپیما را خوانده‌اید و فیلم‌های زیادی در این مورد تماشا کرده‌اید آیا می‌توانید با یک فضاپیما پرواز کنید؟

امروزه در عصر تکنولوژی، با وجود شبکه‌های مجازی مختلف از قبیل تلگرام و اینستاگرام هر روزه با تلفن همراه به سادگی در کسری از ثانیه می‌توانیم به دانش و اطلاعات زبانی گسترده‌ای دسترسی داشته باشیم.

در اغلب مواقع، گوشی خود را بیرون می‌آوریم و اینستاگرام خود را چک می‌کنیم احتمالاً خبری از گران شدن دلار و افزایش قیمت پراید و شیوع مجدد کرونا تا ورود به بورس را می‌بینیم و پیامی از سازمان یونسکو مبنی بر بی‌سوادان قرن ۲۱ می‌خوانیم و احساس می‌کنیم که چقدر زیباست و احتمالاً آن را ذخیره می‌کنیم؛ بعد از آن پستی می‌بینیم تحت این عنوان که از این به بعد شما به جای I think بگویید in my opinion یا دیگر نگویید I am from به جای اون بگویید I was born و یا اینکه چطوری به انگلیسی بگوییم خاک تو سرت! همچنین یادگیری لغت به شیوه تیک ۸، جعبه لایتنر و از این قبیل **به تصورمان که یاد گرفته‌ایم**.

در تلگرام یکی از کانال‌ها را باز می‌کنیم با کاربرد صفات تفصیلی آشنا می‌شویم که هر جا more داشتیم قطعاً در نقش صفت تفضیلی است و و برای ساخت آن از er استفاده می‌کنیم و این پیام را در قسمتsave message ذخیره می‌کنیم.

انتظار می‌رود بعد این‌همه دانشی که بدست آورده‌ایم مهارت زبان انگلیسی را یاد بگیریم، اما در عمل اتفاقی نمی‌افتد.

این همان چیزی است که الوین تافلر در کتاب **شوک آینده** آن را بمباران اطلاعاتی یا over load information می‌نامد. مکانیزم **مغز انسان به‌گونه‌ای است که در برابر حجم بسیار زیادی از اطلاعات دسته‌بندی نشده دچار سردرگمی شده و به نوعی باعث بی‌حسی تصمیم‌گیری می‌شود. فراوانی اطلاعات و نبود نظم منطقی بین آن‌ها باعث اضطراب اطلاعاتی یا information anxiety می‌شود و در این حالت بهره‌وری به درجه نامطلوبی می‌رسد.** این نوع یادگیری انگلیسی را به دلیل نامنظم بودن و غیر سازمان یافته بودن آن، که در نهایت برای اغلب افراد فقط باعث اتلاف زمان خواهد بود **یادگیریِ زرد** می‌نامم.

همه این‌ها مثال‌هایی از زندگی واقعی هستند که با توجه به تجربه شخصی‌ام نه تنها کمکی به یادگیری زبان نمی‌کنند بلکه دانشجو را از مسیر اصلی نیز منحرف می‌سازند و **برای یاد نگرفتن مهارت زبان انگلیسی آماده می‌کنند!**

بمباران اطلاعاتی و دریافت دانش نامنظم و غیرسازمان یافته یادگیرنده را برای یاد نگرفتن مهارت زبان انگلیسی آماده می‌کند.

یادگیری زرد مانند انتظار رفع عطش در زیر قطرات باران در بیابان اطلاعات غیر دسته‌بندی شده است.

برای یادگیری و زمان خود ارزش قائل شوید و اجازه ندهید مطالبی که به هدف مهارت زبان انگلیسی شما ربطی ندارد ذهن شما را با بمباران اطلاعاتی دچار **فلج یادگیری** کنند. همانطور که استیو جابز می‌گوید زمان شما محدود است و آن را با زندگی کردن با نظرات دیگری هدر ندهید.

یادگیرندگان حرفه‌ای به جای یادگیری زرد، مطالب سبز را انتخاب می‌کنند و سازمان یافته یاد می‌گیرند.

یادگیرندگان حرفه‌ای می‌دانند بمباران اطلاعاتی تبرشان را کُند می‌کند!

خطرناکترین مانع یادگیری ناشی از بمباران اطلاعاتی

خطر توهم یادگیری است که تصور می‌کنیم یاد گرفته‌ایم

۱. یادگیرندگان حرفه‌ای با دید عقابی تفاوت مهارت و دانش را تشخیص می‌دهند

تصور کنید قرار است در آزمون عملی رانندگی شرکت کنید و تمامی کتاب‌های بازار مبنی بر یادگیری رانندگی را تهیه می‌کنید و در منزل همه آن‌ها را می‌بینید میخوانید و یاد می‌گیرید. بعد از مدتی آیا می‌توانید با ماشین رانندگی کنید؟ احتمالاً خیر. در **واقع شما دانش بسیاری در مورد رانندگی کردن شنیده یا دیده‌اید اما مهارت رانندگی را کسب نکرده‌اید.**

سطح اول یادگیری بخاطرسپاری و دانش است و به نظر می‌رسد اغلب اساساً از یادگیری انتظاری بیشتر از بخاطرسپاری و دانش نداریم!

هر چند دانش شروع فرآیند یادگیری است اما **موضوع این کتاب الکترونیکی مهارت است!** یعنی من بتوانم چیزی را که یاد گرفته‌ام **بکار** ببرم. به عبارتی **دانش یعنی من می‌دانم و مهارت یعنی من می‌توانم.** باور دارم دنیای امروز بیش از اینکه به دانش نیاز داشته باشد به مهارت نیاز دارد و دلیل آن کاملا مشهود است اگر باور ندارید در گوگل جستجو کنید انواع دانش و اطلاعات زبانی را دریافت می‌کنید. مثلا انواع اصطلاحات در زبان انگلیسی سرچ کنید.

یادگیرندگان موفق می‌دانند زبان انگلیسی از جنس مهارت است نه دانش

با این دید، پرتکرارترین موردی که اغلب در دوره‌ها و کلاس‌هایم متوجه می‌شدم این بود که آموزش گیرندگان اغلب دارای دانش زبان انگلیسی (سطح اول یادگیری) بودند که هنوز تبدیل به مهارت نشده بود. **اساساً بدلیل اینکه که در عصر تکنولوژی به صورت نامنظم یک سری دانشِ بدون ساختاربندی را که سر و ته ندارند جذب می‌کنیم؛ در این حالت گفته می‌شود که اطلاعات و دانش را شنیده یا دیده‌ایم** و چون آن دانش را به کار نمی‌بندیم ابتدا به حالت غیر فعال درآمده و بعد فراموش می‌شود.

اجازه بدهید برای دید بهتر، کلمات زبان انگلیسی را در یک قالب ساده تقسیم‌بندی کنیم

۱.کلمات سخت: کلماتی که نه دیده‌ایم، نه شنیده‌ایم و نه معنی آن را می‌دانیم. گاهی اوقات این کلمات سخت از لغات تخصصی و یا شاید پرکاربرد باشند ولی ما هنوز آن‌ها را یاد نگرفته‌ایم. مثلا چند سال پیش هنگامی که داشتم کتابی را به زبان اصلی مطالعه می‌کردم کلمه Sanguine برای من سخت و با استفاده از دیکشنری متوجه معنی آن یعنی **خوش‌بین** شدم.

۲.کلمات فعال: کلماتی که ما در قسمت گفتاری و نوشتاری خود جهت انتقال پیام استفاده می‌کنیم. مثلا کلمه define به معنای تعریف کردن را تقریبا استفاده می‌کنیم.

۳.کلمات غیرفعال: کلماتی هستند که معمولا معنی آن را می‌دانیم اما در خروجی‌های زبانی خودمان مانند گفتاری و نوشتاری استفاده نمی‌کنیم. در اغلب موارد دامنه کلمات غیرفعال کلمات سخت و فعال بیشتر هستند. مثلا برای من درحال حاضر کلمه‌ای Rattlesnake, Trite

Loquacious, Lethargic و ... است یعنی فقط می‌دانم اما استفاده نمی‌کنم

با کلمات غیر فعال نمی‌توانیم پرواز کنیم و به مقصد برسیم.

چیزی که معمولاً در شبکه‌های مجازی و مجراهای آموزشی مشابه با آن مواجه هستیم همگی در سطح دانش، دانستن و بخاطر سپردن قرار می‌گیرد. **به همین دلیل است که نه تنها اغلب تغییر دلخواه را مشاهده نمی‌کنیم بلکه به دانش غیرفعال ما اضافه خواهد شد. مانند اقیانوسی به عمق یک میلیمترا! که احتمالا با تابش یک خورشید بخار می‌شود.**

به نظر می‌رسد که یکی از اشتباهات اینگونه آموزش‌ها و آموزشگاه‌های زبان این است که: به جای اینکه به ما کمک کند تا واژه‌های غیرفعال را به واژه های فعال و قابل استفاده تبدیل کنیم، ما را تشویق به یادگیری کلمات سطح سخت می‌کنند. برای مثال هر کس زمانی برای یادگیری زبان انگلیسی احتمالاً مدتی کتاب ۵۰۴ را مطالعه کرده است. نخستین کلمه این کتاب Abandon است. شاید برای بسیاری از دانشجویان و علاقه‌مندان که مطالعه این کتاب را آغاز می‌کنند، این کلمه یا واژه‌های مشابه آن در گروه کلمات سخت قرار بگیرد. **این در حالی است که صدها کلمه دیگر وجود دارد که ما معنای آن‌ها را می‌دانیم، اما توانایی بکارگیری آن‌ها در جملات خود را نداریم.**

یادگیرندگان حرفه‌ای قرن بیست و یکم مهارت یاد نگرفتنِ چیزهای بی‌ارزش و غیرضروری را بخوبی فرا گرفته‌اند. یعنی دقیقاً می‌دانند چه چیزی را نباید یاد گرفت.

در نهایت، علی‌رغم تلاش و مطالعه فراوان و کسب نمرات بالا در آزمون‌های مختلف **احساس می‌کنیم که از بر زبان آوردن دقیق و راحت و ساده‌ی خواسته‌ها و مفاهیمی که در ذهن داریم، ناتوانیم.**

۲. یادگیرندگان حرفه‌ای درک شفاهی از مقصد دارند

تصور کنید که در یک مسابقه تیراندازی شرکت کرده‌اید و قبل از مسابقه از شما بخواهند که چشمانتان را با یک دستمال سیاه ببندند و تیراندازی کنید، چقدر احتمال دارد به هدف بزنید؟ **باور دارم که یادگیری نامنظم از طریق شبکه‌های مجازی غیرمرتبط با هدفتان، دستمال سیاه را روی چشمانتان می‌گذارد.** یادگیرندگان موفق درک دقیق و واضح از هدف و مسیر دارند و می‌دانند که قرار است چه چیزی را یاد بگیرند، چگونه یاد بگیرند، و مهمتر از همه چگونه بعد از یادگیری آنها را به مهارت تبدیل کنند.

ابتدا پایان را ببینید که قرار است از لحاظ مهارت زبان انگلیسی به چه شخصی تبدیل شوید و بعد در روز کارهایی را انجام دهید که شما را به تصویر پایانی نزدیک‌تر کند.

برای مثال اگر از یک یادگیرنده حرفه‌ای سوال کنید که برای چه می‌خواهد زبان انگلیسی یاد بگیرد؟ به ندرت خواهید شنید که «می‌خواهم زبانم قوی شود!» به ندرت خواهد گفت هم می‌خواهم آیلس بگیرم هم می‌خواهم نحوه ویرایش کردن مقالات علمی را یاد بگیرم و هم دوست دارم سخنرانی کنم! اما احتمالاً خواهد گفت: دقیقاً می‌خواهم وقتی به مصاحبه شغلی رفتم کاملاً استاندارد سخنرانی کنم و یا مصاحبه‌گر را متقاعد کنم که من گزینه مناسبی برای استخدامی هستم. یا خواهد گفت من فقط دوست دارم کتاب‌های تخصصی دانشگاهیم را بتوانم روان بخوانم و بفهمم! پس همانطوری که متوجه شدید انتها کاملاً قابل دیدن و لمس کردن است. اگر بپذیریم یادگیری شروع یک سفر است اگر مقصد **واضح** نباشد، احتمالاً به ناکجاباد خواهیم رسید. **دانستن اینکه کجا می‌رویم وضعیت کنونی ما را روشن می‌کند و در نتیجه گام‌های ما در مسیر درست خواهد بود.**

۳. یادگیرندگان حرفه‌ای دارای مهارت فراشناختی هستند.

آشنایی با مفهوم این کلمه، نگرشم به یادگیری مهارت‌ها به خصوص یادگیری زبان انگلیسی به طرز شگرفی تغییر داد.

به‌ندرت در طول آموزش زبان انگلیسی با مفهوم این کلمه آشنا شده‌ایم. **فراشناخت به زبان ساده یعنی کسبِ مهارتِ چطور مهارت کسب کردن.** یعنی بتوانیم میزان پیشرفت خود را اندازه بگیریم و ارزیابی کنیم. یک یادگیرنده‌ی حرفه‌ای بخوبی مهارت فراشناخت را یا غریزی یا از طریق آموزش یاد گرفته است. **اینکه بدانیم برای یادگیری یک لغت باید تصویرسازی کنیم یا در یک جمله یاد بگیریم، یک مهارت است اما اینکه بدانیم حافظه چگونه کار می‌کند، یک مهارت فراشناختی است. اینکه سبک یادگیری خودمان را بیابیم و ببینیم واقعاً چه چیزی برای ما اصطلاحاً جواب می‌دهد مهارت فراشناختی است.**

مهارت فراشناخت در بسیاری دانشگاه‌های تراز اول دنیا به عنوان پیش نیاز یادگیری هر مهارتی آموزش داده می‌شود. البته ما نباید نگران باشیم چون سیستم آموزشی به ما آموزش نداده است، خبر خوب اینکه قابل یادگیری است. **اما به نظر من وقتی که با این مفهوم فراشناخت آشنا شدید و از آن استفاده نکردید، هزینه‌های زیادی را بابت یادگیری پرداخت خواهید کرد. مثل زمان و انرژی.**

فراشناخت به زبانی ساده یعنی کسبِ مهارتِ چطور مهارت کسب کردن است.

تصور کنید یک شب زمستان، کنار پنجره در حال نوشیدن یک فنجان چای هستید که برف بسیار ملایمی شروع به باریدن می‌کند و شما لذت می‌برید. هنگامی که صبح اخبار پخش می‌کند به دلیل مسدودی جاده‌ها دانشگاه تعطیل است لذت شما دو چندان می‌شود!

برف آرام و ملایمی که در طول شب بارید صبح باعث بسته شدن جاده‌ها شد. یک یادگیرنده حرفه‌ای می‌داند که مسیر یادگیری یک شبه نخواهد بود و این نوع یادگیری مانند برف سر ظهر بوده و سریع آب خواهد شد! **اما مسیر یادگیری واقعی مانند بارش برف ملایم آرام آرام در طول یک زمان خاصی است این مصداق بارز مهارت فراشناخت و تیز کردن تبر است.**

فراشناخت یعنی کارکرد حافظه و مغز انسان را می‌دانیم و بر مبنای آن یاد می‌گیرم نه آنطوری که خودمان دوست داریم.

اینکه بدانیم دقیقاً داریم چکار می‌کنیم و دانش زبان انگلیسی را که یاد گرفتیم را کجا و چطوری استفاده کنیم نوع دیگری از فراشناخت است. شاید اغراق نباشد که بگویم همه در دانشگاه حداقل ۱۲۰۰ کلمه بلد هستید اما اغلب هنگامی که می‌خواهید از آن‌ها استفاده کنید عاجز خواهید بود! یا برایتان پیش آمده که فیلم‌های زبان اصلی بسیاری دیده‌اید **اما احساس کردید که مهارت شنیداریتان آن طوری که می‌خواستید، بهبود پیدا نکرده است.**

همین الان اقدام کنید

با توجه به موارد بالا، جاهایی که تلاش کردید و نتیجه نگرفتید کجا بوده و اینجا یادداشت کنید:

.....

یادگیرندگان حرفه‌ای از کنار باورهای غیرسازنده و بدون نتیجه در کسری از ثانیه می‌گذرند. در تعامل با دانشجویان و علاقه‌مندان به زبان انگلیسی در کلاس‌هایم متوجه باورهای غیرسازنده مشترک بین آن‌ها شدم که مهم‌ترین این باورها عبارت‌اند از:

- به صورت خودآموز **نمی‌توانم** زبان انگلیسی را خوب یاد بگیرم.
- برای **شروع** یادگیری حتماً نیاز به استاد باتجربه دارم.
- واژهای زبان را **الزاماً** به روش **کُدینگ** باید یاد بگیرم.
- اصولی خواندن همان **به ترتیب** خواندن لغات و گرامر است.
- برای خوب صحبت کردن باید **گرامر را مسلط** باشم.
- برای صحبت کردن **حتماً** نیاز به یک **پارتنر** دارم.
- برای صحبت کردن **باید لهجه‌ی و تلفظ عالی** داشته باشم.
- **همه** افراد با **یک برنامه منسجم** می‌توانند زبان انگلیسی را یاد بگیرند.
- **فقط** با مطالعه **زیاد** و تلاش موفق خواهم شد.
- **صرفاً در مرحله اول** دایره واژگان را افزایش میدهم
- برای یادگیری زبان انگلیسی باید در **کشور مقصد** زندگی کرد.
- زبان انگلیسی را باید مانند **کودک** یاد گرفت!
- **فقط** از طریق **مؤسسات** زبان می‌توان زبان انگلیسی را فراگرفت.

همین الان اقدام کنید

با خودتان فکر کنید و ببینید چه باورهای غیر سازنده‌ای دیگری دارید و اینجا یادداشت کنید:

.....

۴. یادگیرندگان حرفه‌ای روزانه بهای یادگیری مهارت زبان انگلیسی را پرداخت می‌کنند

فکر می‌کنم موفقیت در یادگیری مهارت زبان انگلیسی چیزی نیست که بدست آورده شود باید جزئی از زندگی روزانه شما باشد و مستلزم پرداخت اجاره بهای

روزانه در زندگی است! وقتی می‌گویم اجاره بهای روزانه، **منظورم این است که حاضرید چقدر زمان و انرژی برای یادگیری مهارت زبان انگلیسی بگذارید؟**

این سوال را از یکی دوستان نزدیک خودم پرسیدم که برای فرصت مطالعاتی مقطع دکتری اقدام می‌کرد، پاسخ دادند حداقل روزی ۶ تا ۷ ساعت مطالعه خواهم کرد. با توجه به اینکه ما در دنیایی زندگی می‌کنیم پر از اتفاقات غیرمترقبه مانند شیوع کرونا، تغییر تاریخ آزمون‌ها، از دست دادن عزیزان و مریضی، متاهلی، شغل و از همه مهمتر تغییرات احساسی که در طول روز تجربه می‌کنیم، از عواملی است که باید حتماً در نظر گرفته شود. احتمالاً یکی از دلایلی که بسیاری بعد از یک هفته ادامه نمی‌دهند، واقع بینانه نبودن پاسخ به این سوال بسیار کلیدی و ساده است. اگر بخواهیم واقع‌بین باشیم و پاسخ درست بدهیم، به نظر می‌رسد برای میانگین افراد احتمالاً زمان بین ۱ تا ۲ ساعت **متمرکز** خواهد بود. با این دید به نظر می‌رسد، **گفتن اینکه با روزی ۶ ساعت مطالعه می‌توان زبان را جمع کرد! نیاز به تجدید نظر دارد.**

همین الان اقدام کنید

با توجه به موارد بالا، با خودتان فکر کنید که اگر قراره یادگیری زبان انگلیسی رو شروع کنید چقدر زمان خواهید گذاشت و اینجا یادداشت کنید:

.....

۵.یادگیرندگان حرفه‌ای سَندرُم ترین! در آموزش زبان انگلیسی را تشخیص می‌دهند.

همانطوری که از عنوان کتاب پیداست سعی شده در مورد مهارت یادگیری زبان انگلیسی بنویسم که **مستلزم تغییر دیدگاه به مهارت یادگیری است نه فقط**

آماده شدن برای یک آزمون. احتمالاً برای شما پیش آمده که خیلی از اوقات توسط بسیاری از تبلیغات تجاری دارای اشتیاق کاذب شده‌اید و کتاب‌های آموزشی منابع زبان انگلیسی یا یک دوره‌ای را خریدید و باز هم بعد از آن اتفاقی نیافتاده است و دلسرد شده‌اید. و کم کم به این نتیجه رسیده‌اید که ایراد از خودتان است و همین باعث ناامیدی شما شده است. بسیاری از آن‌ها اصطلاحاً **هشتگ #ترین** را داغ می‌کنند اما تبرتان را تیز نمی‌کنند.

به‌عنوان مثال کلماتی مانند مرجع‌ترین، بهترین، اولین، پرفروش‌ترین هستند. سوالی که همیشه دغدغه‌ام بوده اینست که آیا آموزش گیرنده از ترین‌ها نتیجه دلخواه را گرفته‌اند؟ به‌عنوان کسی که بیش از ده سال است به افراد کمک می‌کنم مهارت زبان انگلیسی را بهتر یاد بگیرند، فکر می‌کنم که اگر باور داشته باشیم که یادگیری مهارت زبان انگلیسی یک فرآیند هوشمندانه‌ی یادگیری اثربخش، بکارگیری و نتیجه‌گیری است، باید واژه‌هایی از قبیل نتیجه، مهارت و بکاربردن و از این قسم بیشتر مطرح شود (منظورم از ترین این است که لزوماً باعث ایجاد مهارت و نتیجه گرفتن، نخواهند شد و بعد آن مجدد به کلاس یا آموزشی نیاز پیدا خواهیم کرد). البته باید در نظر گرفت این شیوه آموزش برای افراد خاصی می‌تواند پاسخگو باشد این به معنی جامعیت این برداشت نخواهد بود.

کمتر می‌بینیم که ارائه یک دستورالعمل کاربردی دغدغه شده باشد و باعث صرفه‌جوئی در زمان و هزینه افراد شود. به‌ندرت پیشرفت و تغییر قابل اندازه‌گیری بعد از آموزش را داغ می‌شود! کمتر دیده شده که بینش یادگیری و استراتژی‌های لازم در مواقع ضروریِ بعد از آموزش، داغ شود!

برای مثال فرض کنید شما یاد می‌گیرید که در مورد خودتان به انگلیسی صحبت کنید و خوشحال هستید. اما به محض اینکه شرایط شما تغییر کند استراتژی لازم را برای ارائه خود ندارید. یعنی اگر قرار باشد خودتان در یک ایمیل معرفی کنید یا به جهت مصاحبه شغلی معرفی کنید آیا در هر شرایطی می‌توانید از پس اینکار بر بیایید؟

به نظرم شاید سندرم "ترین" کار ما را راه بیاندازد اما هیچگاه باعث رشد و پیشرفت ما نخواهد شد و ما را به یادگیرنده بهتری تبدیل نخواهد کرد! برای مثال شما ممکن است یک دوره یک روزه گرامر شرکت کنید و در آزمون روز بعد موفق باشید اما هنگام نوشتن مقاله در دانشگاه به احتمال زیاد دچار مشکل خواهید شد. اگر فرض کنیم "ترین‌ها" کارآمد و اثربخش هستند. به‌عنوان دانشجوی دکتری، مشاور و کوچینگ یادگیری مهارت‌های زبان انگلیسی در نهایت به این فکر می‌کنم که **چرا اغلب نتیجه دلخواه نمی‌دهند!** از آنجایی که عاشق یادگیری هستم در کلاس‌های آموزشی زیادی شرکت می‌کنم بنابراین در یکی از این کلاس‌ها یاد گرفته‌ام که یادگیرنده بعد از دریافت محتوای آموزشی **دقیقا باید بداند برای تبدیل کردن دانش دریافتی به مهارت چه کاری را باید انجام دهد** ولی در اغلب "ترین" ها اینگونه نیست. همانطور که می‌دانید هدف این کتاب تیز کردن تبر جهت کسب مهارت است. فکر می‌کنم در قرن بیست و یکم بهتر است آموزش‌ها یا کتابهایی از جنس سندرم "ترین" روی **نتیجه گرفتن متمایل شوند.**

۶. نگرش یادگیرندگان حرفه‌ای زبان انگلیسی

در کلاسهایم تعداد چشم‌گیری از دانشجویان و علاقه‌مندان به یادگیری زبان انگلیسی را دیده‌ام که باور دارند یادگیری هر چیزی مثل زبان انگلیسی ژن و استعداد می‌خواهد و تعدادی دیگر باور داشتند سخت و زمان‌بر است و در کل باورهایشان از جنس بودن بود نه شدن! **مقصود ما در اینجا نوع بینش و طرز نگرش یک یادگیرنده حرفه‌ای بوده که ابتدا تبر را تیز می‌کند و بعد بدنبال کسب مهارت می‌رود.**

اولین هدف از شکل‌گیری زبان ارتباط گرفتن است چه کلامی و چه نوشتاری
اگر در این زمینه شک دارید، در اینترنت بهترین‌های غیرانگلیسی زبان را جستجو کنید.
که حتی در بهترین دانشگاه‌های جهان با لهجه‌ای که از نظر بسیاری غیراستاندارد است.
میتواند سخنرانی کنند، بنویسند و ارتباط بگیرند!

کارول دوئک محقق و نظریه‌پرداز حوزه یادگیری و انگیزش که اکنون استاد دانشگاه استندفورد نیز می‌باشد در کتابش نگرش یا طرز فکر دو مدل **ذهنیت ثابت و مشخص (fixed mindset)** در برابر **ذهنیت یادگیری و رشد (growth mindset)** را مطرح می‌کند.

در این کتاب خانم کارل دوئک توضیح می‌دهد که چطور تغییر حتی ساده‌ترین باورها می‌تواند اثرات عمیقی در زندگی داشته باشد، یعنی میزان شکست و موفقیت شما در هر زمینه‌ای بستگی به طرز نگرش‌تان یا طرز فکرتان دارد. **همیشه افرادی که به باهوش‌ترین نحو شروع می‌کنند، آن‌هایی نیستند که در آخر به بهترین نتایج دست می‌یابند.** در کلاسهایم با طرز فکرهای بسیاری آشنا شدم که در جدول زیر دو نوع نگرش و ذهنیت یک یادگیرنده حرفه‌ای زبان انگلیسی را نوشته‌ام.

جهانی که ما برای خودمان ساخته‌ایم نتیجه‌ی تفکرات‌مان است.
نمی‌توانیم این دنیا را بدون تغییر طرز فکرمان تغییر دهیم.

آلبرت انیشتین

نگرش رشد (شدن)	نگرش ثابت (بودن)
هوش و استعداد یادگیری زبان قابل رشد و بهبوده	ژن و استعداد یادگیری زبان ندارم
تمرکز من روی عالی شدن است	تمرکز من فقط روی عالی بودن است
برای رشد باید دانسته‌های خودم رو زیر سوال ببرم	چیزی که بلدم درسته و بقیه اشتباه می‌کنند
یادگیری زبان نیاز به زمان و تلاش هوشمندانه دارد	با یک دوره فشرده یک ماهه کسب مهارت میکنم
سبک یادگیری خودم را هنوز پیدا نکردم	یادگیری زبان برای من جواب نمیده
حرف می‌زنم که ارتباط بگیرم و برای لهجه نیاز به تلاش بیشتری دارم	لهجه‌ام باید عالی باشه تا حرف بزنم
الان یادگیری زبان جز اولویت‌های من نیست	زمان کافی ندارم برای یادگیری
احتمالاً مسیر را اشتباهی رفتم	چند ساله دارم می‌خوانم اما اصلاً نتیجه نگرفتم
کدام آدم موفق تا حالا گفته خودم همه چیز رو می‌دانم؟	من خودم می‌دانم چطوری یاد بگیرم

همین الان اقدام کنید

با توجه طرز فکر کارل دوئک، با خودتان فکر کنید کجاها طرز فکر ثابت(تبر کُند)داشته‌اید و اینجا یادداشت کنید:

.....

.....

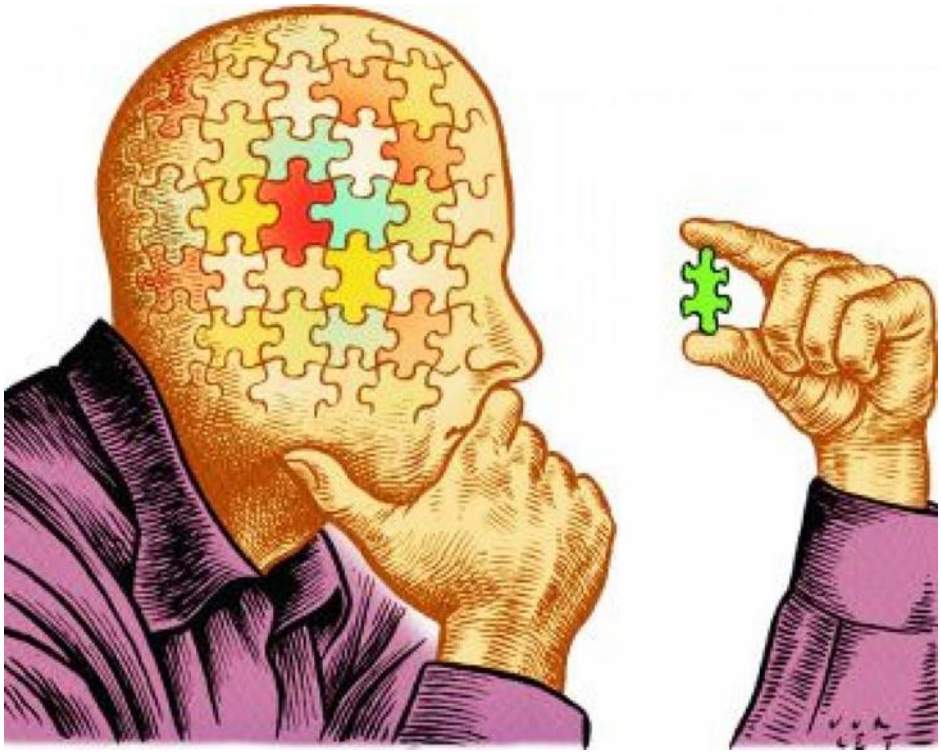

۷. یادگیرندگان حرفه‌ای ابتدا شخصی‌سازی می‌کنند و به صورت استراتژیک مسیر را به سبک خودشان طراحی می‌کنند.

یادگیرندگان حرفه‌ای و موفق، یادگیری مهارت زبان انگلیسی را شخصی‌سازی شده به سبک خودشان به صورت استراتژیک، اثربخش و مهارت‌محور طراحی می‌کنند. اجازه بدهید توضیحی در مورد کلمه استراتژی بکار رفته در این کتاب بدهم. همانطوری که احتمالا میدانید **استراتژی یعنی چیدن مهره‌ها به گونه‌ای که نسبت به دشمن در برتری باشیم.** در فضای یادگیری یعنی طوری مهره چینی کنیم و از بسته‌های اطلاعاتی استفاده کنیم که در زمان کمتر بیشترین بهره‌وری را داشته باشیم و کسب مهارت کنیم. باور دارم دشمن یادگیری در مسیر زبان انگلیسی مطالعات غیر سازمان‌یافته از نوعِ یادگیری زرد است، دشمن یادگیری در کسب مهارت زبان انگلیسی مطالعه‌ی فشرده‌ی آن

است، دشمن یادگیری هر نوع مهارتی اینست که بعد از دو ماه مطالعه، انتظار غیر منطقی از خود داشته باشیم.

شعار یک یادگیرنده موفق تمرین هوشمندانه، متمرکز و اثربخش است و مُدام با استراتژی های مؤثر و کارآمد **تبر** خود را تیز می‌کند. یادگیرندگان حرفه‌ای برای **شروع** منتظر استاد نمی‌مانند **اما در ادامه تبر خود را تیز می‌کنند** و **سیستم یادگیری خود را به سبک خودشان طراحی می‌کنند.** اعتقاد دارم فقط از طریق شخصی‌سازی کردن یادگیری هر شخص خواهد دانست از چه مسیری، چگونه برود و به نتیجه برسد.

به قول استیو جابز من به خیلی از کارهایی که نکرده‌ام به اندازه کارهایی که کرده‌ام، افتخار می‌کنم. خلق، یعنی نه گفتن به هزار چیز! به نظر من با شخصی‌سازی کردن مسیر یادگیری زبان انگلیسی به هزار چیز دیگری که نباید یاد بگیرید نه خواهید گفت.

این کتاب قابلیت بروزرسانی دارد!

از آنجایی که به‌عنوان مدرس و یادگیرنده هیچوقت دوست نداشتم یادگیری را کنار بگذارم قطعاً خوشحال خواهم بود که می‌توانم **هر چیز جدیدی که راستای این کتاب** الکترونیکی یاد می‌گیرم را با شما به اشتراک بگزارم و شما را به هدفتان نزدیک‌تر کنم.

از اینکه با خواندن این کتاب الکترونیکی روی رشد خودتان سرمایه گذاری کردید از شما تشکر میکنم. تا حد امکان تلاش تیم تدریسِ مؤثر بر این بود که به شما کمک کند مسیر را راحت‌تر پیدا کنید و با این هفت راز خود را برای شروع یادگیری اثربخش آماده کنید و امیدوارم اینگونه شده باشد.

برای خواند مقالات بیشتر در مورد مهارت‌های زبان انگلیسی در قرن ۲۱ می‌توانید به وبسایت تدریسِ مؤثر مراجعه کنید. در صورت داشتن هرگونه سوال مانند نحوه طراحی یادگیری به سبک خودتان، آمادگی کنکور دکتری یا ارشد سال ۱۴۰۰، یادگیری مهارت زبان انگلیسی کاربردی و مهارت سخنرانی به زبان انگلیسی و ....، همچنین نظر و پیشنهاد سازنده‌ی خود می‌توانید با ایمیل mail@tadrisemoaser.com در ارتباط باشید.

برای دریافت مشاوره رایگان **جهت طراحی استراتژیک سیستم یادگیری به سبک زبانی خودتان** می‌توانید کُد haftraz را به آدرس تلگرام ما ارسال کنید و بعد از آن سوال خود را مطرح کنید تا بتوانیم به شما کمک کنیم.

با طراحی سیستم یادگیری شخصی‌سازی شده به سبک خودتان
یک قدم جلوتر از دیروز باشید
آکادمی تدریسِ مؤثر